

افلاطون و اینترنت

کیرن اُهارا
حسن محمودی





Plato and The Internet

Kieron O'Hara

Totem Books, 2002

Translated into Farsi by

Mohsen Mahmoudi

Afsunexiyal, 2014

• افلاطون و اینترنت •

- کیرن اهارا • محسن محمودی • ویرایش: محمود مقدس
- چاپ اول: تابستان ۱۳۹۳ • شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه •
- روح: نجو جوکار • صفحه‌آرایی: احمد جاوید
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۹۲-۰۴-۷

شرکت نشر افسون خیال

تهران: ۰۲۱-۴۴۱۲۰۰۰۰

www.v.affsunexiyal.com

© کلیه حقوق این اثر متعلق به شرکت نشر افسون خیال است و هرگونه استفاده از تمام یا بخشی از آن و به هر شکل و در هر محیط به دریافت مجوز کتبی از شرکت نشر افسون خیال نیازمند است.

O'Hara, Kieron

أهارا، کیرن

افلاطون و اینترنت، کیرن اهارا، ترجمه‌ی محسن محمودی

تهران: شرکت نشر افسون خیال: ۱۳۹۳

۸۰ ص.، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۹۲-۰۴-۷

عنوان اصلی: *Plato and the Internet*

۱. شناخت (فلسفه) ۲. اینترنت، محمودی، محسن، ۱۳۶۲-، مترجم

۱۳۹۲ الف ۱۶۸/ق ۲

۱۲۱

۳۳۸۱۸۹۱

فهرست

۹	دیباچه‌ی فارسی
۱۵	اقتصاد دانش‌محور
۱۶	دانش چیست؟ رشته‌ی معرفت‌شناسی
۱۸	شک‌گرایی
۲۰	افلاطون و دانش: تولید معرفت‌شناسی
۲۳	انواع دیگر دانش
۲۷	باور صادق موجه
۳۰	فیلسوف شکاک عصبانی می‌شود
۳۱	سرریز اطلاعات
۳۴	اینترنت و شبکه‌ی جهان‌گستر
۳۷	دانش، تکنولوژی و سازمان‌ها

۴۲	دانش مدیریتی
۴۶	داده‌ها، اطلاعات و دانش
۵۰	شبکه‌ی معنایی
۵۳	دانش: موجه؟
۵۴	دانش: صادق؟
۵۸	دانش: باور؟
۵۹	نتیجه‌گیری، سیمیاگری قرن بیست‌ویکم
۶۴	یادداشت‌ها
۶۸	منابع جهت مطالعه بیشتر
۷۱	مفاهیم کلیدی
۷۵	پاره‌ای از کتاب‌های پیرامون معرفت‌شناسی (به زبان فارسی)
۷۷	پاره‌ای از کتاب‌های پیرامون معرفت‌شناسی (به زبان انگلیسی)

دییایچهی فارسی

معرفت‌شناسی نیز به‌سان سایر معرفت‌های کثیر علوم انسانی از یونان باستان سرچشمه می‌گیرد و همچون باقی دانش‌واره‌های فلسفی در چنبره‌ی متافیزیک افلاطونی قرار دارد. با این همه، معرفت‌شناسی کلاسیک دواره از جانب سوفسطائیان و سنت فکری‌شان با چالش‌های جدی مواجه شده است. آن‌ها دقایقه‌ای تکرارناشدنی در نظام فلسفی جهان هستند و شاید بتوان گفت که فلسفه‌ی سوفسطائیان تنها پرسش اساسی و مواجهه‌ی جدی با سنت گفتمانی پساافلاطونی است. این پرسش معنای لغوی معرفت‌شناسی عبارت است از علم یا فلسفه‌ی شناختن هر یک گونه که بلیکی در این تعریف افلاطونی می‌گوید: «معرفت‌شناسی شناسی معرفت است» (1). به ادعاها یا فرض‌هایی درباره شیوه‌هایی که کسب شناخت در مورد واقعیت امکان‌پذیر می‌کند. پرسش معرفت‌شناسی این است که شرایط کسب شناخت درباره‌ی آن چه وجود دارد، چیست؟» گرچه در ادبیات رایج، معرفت‌شناسی به سه دوره‌ی باستان مدرن و معاصر تقسیم می‌شود اما واقعیت آن است که این مفهوم

از روزگار افلاطون تا هنگامه‌ی ظهور نیچه و بعدها پست‌مدرنیسم تغییری نیافته است.

به باور سقراط [و افلاطون] دوگونه معرفت وجود دارد؛ معرفت علمی و معرفت سطحی. او برای معرفت حقیقی از اصطلاح «Epistime» و برای معرفت ظاهری از واژه «Doxa» استفاده می‌کند. معرفت حقیقی از نظر او معرفتی است که به چرایی خود آگاهی دارد، در حالی که معرفت ظاهری، ممکن است واقعیت داشته باشد، بی‌آنکه به بیان چرایی خود نیست. افلاطون به‌ویژه در اثر معرفت‌شناسانه‌ی *سومینوس* تلاش زیادی برای ایجاد تفاوت ضروری بین دانش و باور حقیقی کرده است. باور را می‌توان دانست عبارت است از باور حقیقی به‌علاوه «چیزی» که «فقط» باور را به دانش تبدیل می‌کند یعنی «باور صادق موجه». بنابراین سنت باور صادق موجه بر این مبنای استوار است که دانش حالتی روان‌شناختی است که باعث می‌شود فرد از یک گروه حمایت کند.

سنت باور صادق موجه به دو دلیل دچار تکان کاری شده است؛ نخست، پست‌مدرنیسم و دوم، ظهور پدیدارهای تکنولوژیک متأخر چون رایانه و اینترنت. کتاب پیش‌رو ناظر به بخش دوم این تکان کاری است. چرا این‌جا بایسته است که نگاهی به وجه نخست بیندازیم. پست‌مدرنیسم، مخبر گونه تبیین کلیت بخش یا به بیان لیوتار روایت‌های کلان است. بنابراین از این منظر به‌ویژه گستره‌ی علوم تجربی و نه در پهنه‌ی علوم انسانی، روزنه‌ای برای ورود و حضور فراروایت‌ها و فراروش‌ها گشوده نیست. این رهیافت، نسبت به ادعای توانایی برای شناخت حقیقت و دست یافتن به آن از طرف هر گروهی بدگمان است.

با این همه، جستجوی دانش در دوره‌ی پست مدرن روند نامتوازن و عقیم مانده‌ای است. این امر اساساً ریشه در تردید هستی‌شناختی ما دارد. به «پرسش

از هستی» *Seinsfrage* هایدگر پاسخی داده نشد: ما نه جهانی که در آن به سر می‌بریم می‌شناسیم و نه نظام‌های معنایی آن را درک می‌کنیم. بنابراین ما دچار فقدان یک کانون معرفت‌شناختی، یک مبنای غایی یا مرجع نهایی هستیم که همه شانه‌ها بتوانند با قابلیت فهم تضمین شده از آن جا و به آنجا تعبیه شوند. همان طور که دریدا به تاسی از سوسور گفته، دلالت نتیجه‌ی تفاوت است؛ خود کلمه تفسیری و خالی از هرگونه ارزش و فاقد مرکز است. اما چاره‌ی چنین وضعیتی قرار دادن الگویی معنایی ما در بافتاری غنی‌تر نیست. یک واژه معنایش را در واژگان دیگر جستجو می‌کند، به نوبه خود آن واژگان هم معنای خود را در واژگان بیشتر دیگری جستجو می‌دهد و این عدم قطعیت هستی‌شناختی جهان، ماهیت فاقد مرکز پست مدرنیته چیزهایی است که امام اگزیستانسیل را شکل می‌دهد.

برای ایضاح معرفت‌شناسی پست مدرنیته می‌خواهم چهره‌ی کلیدی این دوره را مورد توجه قرار دهم. میشل فوکو، شاید عمده‌ترین معرفت‌شناس پست مدرنیته باشد. نظریات او در مباحثات اخیر درباره ماهیت و سرشت فهم غربی بسیار تاثیرگذار بوده است. در واقع از خلال بررسی آثار فوکو می‌توان سه جنبه از دانستن در بافتار پست مدرن را مورد فهم قرار داد: ۱. نظام‌های متمرکز زدایی شده‌ی معنا، ۲. بازی‌های زبانی فهم و، ۳. وضعیت سوژگی‌یافته.

در پست مدرنیته، دانش و قدرت نمی‌توانند دیگر به مثابه رابطه‌ی ایجابی/تضاد تلقی شوند. دانش نتیجه‌ی ایجابی قدرت است. برای فوکو، قدرت در گفتارهای حقیقت در جریان است. دریافت سنتی از حقیقت به مثابه مامنی در برابر پتانسیل استبدادی قدرت دیگر محلی از اعراب ندارد. به عقیده فوکو، «دانش بیرون از قدرت قرار ندارد. برخلاف اسطوره، حقیقت پاداشی نیست که ارواح آزاد عرضه می‌دارند. حقیقت چیزی از این جهان است و تنها با اشکال چندگانه‌ی محدودیت تولید

می‌شود. هر جامعه‌ای رژیم حقیقت خود را داراست: یعنی انواع گفتمان‌هایی که این رژیم به عنوان گفتمان حقیقی می‌پذیرد؛ مکانیسم‌هایی که فرد را قادر می‌سازد گزاره‌های درست و نادرست را از هم تشخیص دهد؛ ابزارهایی که به واسطه‌ی آن‌ها گزاره‌ها منع می‌شوند؛ تکنیک‌ها و رویه‌هایی در دستیابی به حقیقت؛ جایگاه موقعیت کسانی که مسوول گفتن آن چه حقیقت به شمار می‌رود هستند.

برای درک بهتر تاثیر فوکو، می‌توان بجای حقیقت واژه‌ی آزادی را قرار داد. می‌توان دید که قدرت بر آزادی سلطه دارد. قدرت دیگر شبی نیست که نگامان حق را خواب کند. نیروی قدرت هیچ کجا بهتر از باور ما به این که حقیقت آزادکننده است، نمی‌شود. آزادسازی صرفا بدل به عاملی در تلاش‌های عظیم قدرت در مصلحت ساخت همه سنت گفتمانی غربی می‌شود. این که فکر کنیم حقیقت آزاد کننده است، غریبی نیست. در پذیرش چنین منطقی، تنها می‌توان اسارت قدرت را اشاعه داد.

جستجوی حقیقت، جستجوی نظم و طبع‌بندی معنادار به معنای انقیاد فرد است. به گفته‌ی فوکو، «ما به قربانیان میل به عنایت خود بدل شده‌ایم.» در پست مدرنیته، جایی که شاهد «سطحی بودگی» هستیم جایی که تنها می‌توان سطح را دریافت، ما در سلطه‌ی خودمان، چنان که ما رژیم بنای مطمئن و سریعی از عمق / اهمیت را برپا کنیم، درگیریم. در نظر فوکو، هیچ ساختارها ما را مقید می‌سازند و حتی شیوه‌ی فهم ما را اشاعه می‌دهند.

روش فوکو که تبارشناسی و دیرینه‌شناسی نامیده می‌شود، معطوف به معنای متون و شیوه‌هایی است که این متون حقیقت و قدرت را دربرمی‌گیرند و روش‌هایی است که متون خاص دیگری نادیده گرفته می‌شوند. او همواره در حال کند و کاو در گفتمان‌های کنار گذاشته شده‌ای است که گفتمان مسلط را به چالش می‌کشند.

تاریخ ما را وای دارد بپذیریم که جریانی مستمر از پیشرفت فکری است. قدرت فوکویی، به نحو بیمارگونه‌ای، به شیوه‌ای پست مدرن و مرکز زدایی شده جریان دارد. قدرت بدون یک سوژه‌ی مشخص عمل می‌کند و هیچ مرجع غایی و هیچ مولفی ندارد. قدرت در مفروضات جامعه‌ی غربی پنهان است. یا به عبارت دیگر، قدرت از حقیقت حرف می‌زند اما نمی‌داند حقیقت واقعاً چیست.

به‌طور کلی، پرداختن به دلالت‌های معرفت‌شناختی عصر پست مدرن به نظر عجیب یا بی‌سنت می‌آید. بیرونیک است اما معرفت‌شناسی چنان‌چه مک‌هیل اشاره دارد به شیوه‌ی پست مدرن، اصطلاح عصر مدرن را خصیصه پردازی می‌کند.

عامل دوم در چالش کنونی، سنت باور صادق موجه، ظهور پدیدارهای تکنولوژیک متأخر چون رایانه و اینترنت است. بر این مبنا، سنت باور صادق موجه در جهان تکنولوژیک جدید کالایی نیست و ما باید به دنبال معرفت‌شناسی‌ای باشیم که برای این فضای تکنولوژیک مناسب باشد. در نتیجه، تعریف باور صادق موجه با تعریف دانش به مثابه «اطلاعات قابل استفاده» جایگزین شود. تکنولوژی‌های جدید، شیوه‌ی نگرستن به دانش را تغییر داده‌اند. در عصر انفلاسیون یعنی زمانی که سنت باور صادق موجه آغاز شد، دانش دستاوردی فردی بود و تاکنون نیز این امر تا حدود زیادی تداوم یافته است اما تغییری تدریجی نیز اتفاق افتاده است به گونه‌ای که امروزه دانش یک کالا نیز به حساب می‌آید؛ کالایی که تولید، خرید و فروش شود، مدیریت شود، در آن سرمایه‌گذاری شود، به عنوان وسیله‌ی تولید استفاده قرار گیرد و غیره. بنابراین ما به معرفت‌شناسی‌ای نیاز داریم که برای این بافتار مناسب باشد و سنت باور صادق موجه چنین نیست.

کیرن اُهارا، نویسنده‌ی کتاب پیش‌رو عمدتاً نه از چارچوب پست مدرن که از نگاه تکنولوژی‌های متأخر به معرفت‌شناسی و نقد سنت باور صادق موجه پرداخته است.

وی فیلسوف، دانشمند علوم رایانه‌ای و نویسنده‌ی سیاسی است. اوهارا پژوهش‌گر ارشد دانشکده‌ی علوم الکترونیک و رایانه‌ای دانشگاه ساوت‌همپتون می‌باشد که در این دانشکده متخصص سیاست، فلسفه و معرفت‌شناسی تکنولوژی است. وی همچنین پژوهش‌گر ارشد اتحادیه‌ی علوم وب^۱ و اندیشکده‌ی محافظه‌کار مرکز مطالعات سیاسی^۲ است.

ترجمه‌ی این کتاب را مدیون سه دوست گرامی خویش، دکتر ایوب کریمی، دکتر محمد مقدس و دکتر مسعود آریایی‌نیا هستم که همواره از راهنمودهای‌شان بهره‌مند گردیدم. همچنین از روزبه دادبین مدیر نکته‌سنج نشر افسون خیال سپاس ویژه‌ام. تمامی چاپ مجموعه‌ی مواجهات پست‌مدرن بوده‌اند. در پایان، تمام کاستی‌های این ترجمه بر عهده‌ی راقم این سطور بوده و از نقد آن مسرور خواهم شد.

محسن محمودی

پاییز ۱۳۹۲

۶۰

۱. Web Science Trust : دانشگاه ام‌ای‌تی و دانشگاه ساوت‌همپتون بریتانیا، اتحادیه علوم وب را برای پیشرفت و توسعه علوم وب به عنوان یک دوره آکادمیک جدید به‌وجود آوردند. این سازمان با گرد هم آوردن دانشمندان برجسته علوم کامپیوتر، علوم اجتماعی و دانش‌پژوهان حقوقی، دست به تشکیل یک مجلس مشورتی بین‌المللی زد. هدف آن‌ها ایجاد بنیانی عقلانی، فضایی آموزشی و پایگاهی از منابع است تا به محققان کمک کند دانش جدیدی از وب را پایه‌ریزی کنند. (م)